

راه حل دولت جمهوری اسلامی

نسبت به رای دیوان عالی آمریکا

امیرفیض- حقوقدان

درتحریر (واکنش جمهوری اسلامی نسبت به رای دیوان عالی آمریکا مورخ ۱۴/۰۵/۲۰۱۶) ^۱ واکنش اصولگرایان و همچنین مجلس اسلامی نسبت به رای دیوان عالی آمریکا نسبت به تامین خسارات بازماندگان حوادث ناشیه از عمل جمهوری اسلامی مطالبی داشت و قرار شد که راه حل دولت جمهوری اسلامی نسبت به رای مزبور در فرصت دیگری مطرح شود. اکنون فرصت منظور فراهم است.

تکمیل واکنش مجلس اسلامی

از آنجا که در فاصله بیان واکنش مجلس اسلامی به رای دیوان مزبور که درتحریر مورد اشاره مطرح شد و این تحریر که دوسه روزی بیشتر نیست که مجلس اسلامی واکنش دیگری نشان داده است. تصور درست بر این است که واکنش جدید مجلس هم مطرح و سبب جامعیت نسبی تحریر گردد.

واکنش جدید مجلس

مجلس اسلامی در تاریخ ۲۶ اردیبهشت سال جاری طرحی با دوفوریت مبنی بر لزوم اقدام دولت برای دریافت خسارت از آمریکا راتصویب کرد.

مذاکرات مجلس و نیز انتقال برخی از اظهارات نمایندگان مجلس اسلامی به خبرگزاریها نشان میدهد که:

> این طرح به تلافی (۱) ضبط دوملیارد دلار اموال ایران در آمریکا تصویب شده است <

(خبرگزاری بی - بی - سی)

طرح مزبور با ۱۸۱ رای موافق و تنها ۶ رای مخالف تصویب شده است و از آنجا که مجلس مکلف است طرح های دوفوریتی را ظرف ۲۴ ساعت در مجلس مطرح تا جنبه قانونی پیدا کند و از آنجا که تعداد رای دهندگان موافق رقمی بسیار قابل توجه است میتوان تحریر حاضر را بر مبنای تصویب آن طرح تنظیم ساخت.

در آن طرح دولت موظف است از طریق خود و یا حمایت از اتباع ایرانی برای جبران خسارات از دولت آمریکا اقدام کند و موارد خسارات را هم تعیین کرده است که از جمله خسارات مادی و معنوی ۲۸ امرداد - خسارات کودتای نوژه - خسارات وارده به سکوهای نفتی - خسارات ناشی از جاسوسی علیه ایران -

خسارات حاصله از بلوکه کردن دارائی های ایران توسط آمریکا – مهمترین موارد ذکر شده در طرح مزبور
جبران خسارات جنگ عراق و ایران (۲)

شنیدنی بیشتر از طرح مزبور

(۱) عرض شد که اظهارات نمایندگان مجلس اسلامی و برداشت خبرگزاریها این است که طرح فوق الذکر بعنوان **تلافی و مقابله** با رای دیوان عالی آمریکا پیاده شده است

🔴 واژه های **تلافی و مقابله** در طرح مزبور، طرح را از مسیر حق که مبنای یک دعوای حقوقی است خارج میسازد. در دعوای حقوقی بطور کلی، تلافی نمیتواند مبنا و علت دعوا و خواسته باشد، خواسته باید از منشا حق باشد نه منشاء تلافی.

منشاء تلافی یعنی اینکه اگر طرف (خواهان) چنین ادعائی مطرح نمیکرد، خواننده، دعوای حاضر را طرح نمیکرد. همچنین شاهد و دلیلی است بر عدم اصالت و حقیقت ادعای مدعی (جمهوری اسلامی) زیرا در حالیکه جمهوری اسلامی یک کشور و تابع حقوق سیاسی و مالی مشخص است نمیتوانست مطالبات و خساراتی را که حق خود میدانست سالهای سال مطرح نکند و همینکه مدعیانی علیه جمهوری اسلامی پیدا شدند به فکرتلافی بیفتند.

تلافی در اقدامات خلاف اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین در جنگ بین کشورها و همچنین در حقوق جزای اسلامی قصاص پیش بینی شده ولی در مرافعات و مطالبات حقوقی، تلافی عنوان حقوقی ندارد.

🔴 مقابله که ممکن است به دعوای متقابل تعبیر شود از منشا حق محسوب است زیرا در تقابل با همان دعوای اصلی قابل طرح است و موضوع آن تصفیه حساب با دعوای اصلی و یا کسر ادعای خواهان است.

در محاکم ایران دعوای حقوقی که با قصد تلافی مطرح میشود محکوم به رد بود؛ نمیدانم تفسیر موضوع در دادگاه بین المللی و یا محاکم آمریکا چه قسم است؛ ولی یقین دارم که استناد به قصد تلافی جمهوری اسلامی باعث تضعیف ادعا خواهد بود.^۲

غرض از اشارات بالا

² - Francis Bacon described it as a kind of "wild justice" that "does... offend the law [and] put the law out of office". Primitive justice or retributive justice is often differentiated from more formal and refined forms of justice such as distributive justice and theological justice.

فرانسویس بیکن دعوای تلافی جویانه در دادگاه را «داد خواهی وحشی» میداند و آنرا توهین به قانون و خارج از قاعده میدانند. یک روش ابتدایی و دادخواهی کیفری و اغلب آنرا از قوانین معمول انسانی تفکیک میکند و آن نوع دادخواهی را از جمله قوانین مذهبی و توزیعی قلمداد میکند. ح-ک

❖ غرض از اشاره بالا ناموجه بودن طرح به اعتبار استفاده از واژه های تلافی و مقابله است که بهیچوجه لازم به ذکر آنها و یا بیان علت مطالبه خسارات نبوده است؛ و سبب گردیده که ماهیت حقوقی طرح، مخدوش شود.

❖ دیگر اینکه، احصاء کردن منابع خسارات در طرح است، که کار نادرستی است و دست دولت را محدود به مواردی میسازد که ممکن است از نظر حقوقی مصلحت نباشد یا ممکن نباشد و یا برعکس مواردی پیش روی دولت در جبران خسارات قرار گیرد که طرح اجازه نداده است و یا به نوعی از طرح دعاوی جانبی که میتواند در دفاع از حقوق ایران موثر باشد که طرح آنرا اجازه نداده سبب احتیاط دولت گردد.

اگر خواسته شود که مورد به مثالی تشبیه شود این است که مجلس کشوری طی مصوبه ای اقدام نظامی را علیه کشور دیگری به دولت ابلاغ میکند؛ ولی در آن مصوبه، مناطق مورد حمله را بنام و نشان ذکر میکند، این کار فکاهی و عسس مرا بگیر است. این درست کاری است که در طرح رژیم اسلامی شده است.

از طرفی با آنکه طرح بظاهر چنین مینماید که مجلس حساسیت فوق العاده به موارد خسارت داشته و خواسته به آن جامعیت بدهد - ولی ظاهر مزبور با حقیقت همراه نیست از باب مثال:

✓ جمهوری اسلامی آمریکا رامسنول انفجار ساختمان نخست وزیری در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) میداند ولی در طرح، به مورد مزبور اشاره ای نگردیده و نمونه های دیگر.

✓ مواردی را که طرح مبنای مطالبه خسارت تعیین کرده مانند خسارات کودتای نوژه و یا ۲۸ امرداد و یا خسارات جاسوسی و بلوکه کردن دارائی های ایران اگر جمهوری اسلامی آنها را در جایگاه واقعی حق میدانست میبایستی در ده ها سال پیش از طرف دولتهای وقت بدون نیاز به طرح مجلس مورد دادخواهی و حداقل مذاکره برای وصول آن صورت میگرفت، در حالیکه چنین اتفاقی که از مبانی و لازمه احقاق حق است انجام نشده است؛ و این موضوع در کنار تلافی کردن که در طرح آمده ادعای جمهوری اسلامی را سست و بی وقار میکند.

❖ حیرت اینکه جمهوری اسلامی <به مصداق قاچ زین رابگیر اسب دوانی پیش کشت> بجای اینکه وارد دعوی عدم توجه اتهام به ایران شود، به دنبال خسارات واهی، اسب دوانی میکند اثبات اینکه در قضیه انفجار خوابگاه تفنگداران آمریکائی در لبنان جمهوری اسلامی مشارکت نداشته بسیار آسان تر از ادعای خسارات کودتای نوژه و یارستاخیز ۲۸ امرداد و از همه آنها فکاهی تر ادعای خسارات جاسوسی آمریکاست.

❖ در دعوی خسارت آسیب دیدگان خوابگاه سربازان آمریکائی در لبنان، خسارت دیدگان هستند که باید ثابت کنند که ایران عامل انفجار بوده است در حالیکه در دعوی تلافی، ایران است که باید ثابت کند که خسارت به ایران وارد شده و خسارات مزبور ناشی از فعل آمریکا بوده است. دشواری این دو مورد اظهر من الشمس است.

❖ جمهوری اسلامی آنقدر حقوقدان دارد که بداند طرح مزبور در دست انداز (تلافی) گیر خواهد کرد و میداند که ادعاهای ذکر شده در طرح مذکور بیشتر نمایشی برای مردم ایران است؛ و نمیتواند در

جایگاه ادعای قابل ارزشی قرارگیرد وبهین دلیل است که در طرح تلافی خود رعایت پنهان کاری برای توفیق در عمل را لازم به رعایت ندیده.

❖ این تصوردور از درستی نیست؛ از آنجا که دولت شیخ حسن میداند که دعوی مورد طرح جز شکست ورسوائی نتیجه ای نخواهد داشت خواسته است عمل خودرا منطبق با طرح وتوجه مسئولیت شکست را برعهده مجلس بگذارد والا سابقه ندارد ولازم هم نیست که مجلس با تصویب لایحه ای موارد مطالبه خسارات را تعیین کند این اموردصلاحیت دولت ووزارت خارجه کشوراست نه مجلس.

موارد حیرت در طرح

← همانطورکه در معرفی و علت طرح مسئله تلافی ذکر شده، طرح مجلس، نیز حالت کلیت تلافی را در طرح منظور داشته وبه موارد اصلی محکومیت های ایران اعتنائی نکرده است ودرواقع دنبال تلافی کردن بوده است نه رفع تجاوز ادعای علیه ایران. از باب نمونه:

در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱ برابر دیمه سال ۱۳۹۰ یک دادگاه ایالتی نیویورک بتصدی قاضی (جرج وانیل) ایران رابه پرداخت غرامات وخسارات در رابطه با فاجعه ۱۱ سپتامبر بمبلغ ۱۰ میلیارد دلار محکوم کرد و دادگاه نتیجه گرفته که ایران در جریان آن فاجعه مشارکت داشته است و بلومبرگ که به جریان دعوا توجه داشته نوشته < علت محکومیت ایران عدم توانائی در دفاع بوده است >

(مشروح در تحریر ۱۷/۵/۲۰۱۵ - دامنه تسری رای دیوان عالی آمریکا) ۳

ولی می بینیم که در طرح مزبور هیچ اشاره ویا تکلیفی برای دولت نسبت به رای مزبور وارد نشده و بجای مقابله با آن به تلافی ومطالبه خسارت از کودتای نوژه پرداخته است.

← اگر این بی اعتنائی مجلس اسلامی از باب قطعیت حکم دادگاه ایالتی نیویورک محسوب شود، که تلافی نسبت به حکمی که دادگاه صادر کرده است عمل لغو وبسیار بیهوده ای است. بجای تلافی و این حرفهای عوامانه باید متوسل به موازین وراه حل های حقوقی مورد شناخت محاکم شد.

توضیح راه حل

در سال ۶۷ که به اعتبار قطعنامه شورای امنیت مذاکرات صلح بین عراق و ایران آغاز شد اعلیحضرت در پیام به مناسبت آتش بس بین عراق و ایران از ایرانیان خواستند که متحداً در جهت حفظ حقوق ملت ایران اقدام کنند. (متن کامل پیام شاه ونقد سنگر در شماره ۵ مهرماه ۶۷)

متعاقب بیانات شاه روزنامه کیهان تهران هم نوشت:

در این شرایط که افکار عمومی قادر خواهند بود بیشترین نقش را در تحت فشار گذاردن قدرت های خارجی حامی صدام ایفا کنند رسالت ایرانیان خارج از کشور حکم میکند تا بهر نحو ممکن نسبت به احقاق حق ملت خود بپاخیزند >

(سرمقاله ۲۶ مرداد سال ۶۷)

سنگرد شماره ۲۶+۳۳۲ مورخ ۵ مهرماه ۶۷ ضمن تقدیم تحریری نامه ای بتاريخ اول مهرماه ۶۷ سفارشی بشماره ۲۱۹۰۵ هم به علی اکبر ولایتی که در آن زمان وزیر خارجه جمهوری اسلامی بود نوشت و راهنمایی های لازم را داد (متن نامه در همان سنگرد صفحه ۳ درج است).

در آن مقاله نکته مهمی از نامه بولایتی که میتوانست محرمانه تلقی گردد در سنگر سیاه شد و علت محرمانه بودن آن نیز توضیح داده شد. اکنون از همان رویه مورد عمل سنگر در مورد مذاکرات با عراق تبعیت وتاسی میگردد؛ و از ذکر راه کار در تحریر حاضر خودداری میشود؛ و در صورت آغاز اقدام جمهوری اسلامی برای حفظ حقوق ایران مراتب به مسئولین اقدام، ارسال خواهد گردید (پایان توضیح راه حل).

◀ مقصود از راه حل این نیست که تنها راه حلی که مورد نظر این تحریر است راه حل است؛ هر کس در حد بضاعت خود برای رفع این مشکل بزرگ که متوجه ملت ایران است نه حکومت جمهوری اسلامی باید بکوشد؛ طرح مورد نظر این تحریر هم میتواند جزئی از همان کوشش فراگیر باشد.

در دعاوی ومشکلات بین المللی باید به زبان سیاسی وحقوقی معمول ملتها گفت و عمل کرد؛ که جمهوری اسلامی به این مسائل عادت ندارد، همین راه حل هائی از قبیل بستن تنگه هرمز و یا توقیف کشتی های آمریکائی در تنگه هرمز (طرح دیروز آقای رسائی در مجلس - در همین تحریر به آن اشاره بیشتر خواهد شد) نمونه هائی محکم از عقب ماندگی فکری وسیاسی جمهوری اسلامی از مسائل سیاسی و آداب حقوق بین المللی است.

◀ جالب اینجاست که در طرح مزبور، ۲ میلیارد دلار دارائی های توقیف شده ایران انگیزه طرح معرفی شده است ونامی از دعاوی دیگر از جمله همین رای ۱۰ میلیون دلاری هم نشده و این در حالی است که یکی از نمایندگان مجلس اسلامی اظهار داشته > تاکنون ۵۰ میلیارد دلار از دارائی های ایران بعنوان گوناگون از سوی دادگاه های آمریکا توقیف شده است <.

خبر مساعد

هم امروز خبری منتشر شده که سنای آمریکا عربستان را متهم فاجعه ۱۱ سپتامبر دانسته است وتعلق خسارات آن جریان را بر عهده عربستان میداند؛ در این صورت تعارض رای سنای آمریکا بارای دادگاه نیویورک مبنی بر توجه خسارت ۱۱ سپتامبر به ایران موضوع با اهمیتی است که بایستی استفاده شود.

مبانی خسارات مورد ادعای در طرح

(۲) مهمترین موردی که بعنوان تلافی خسارات در طرح مذکور مطرح شده خسارت جنگ عراق است که این تحریر بر رعایت کوتاهی از بین همه آن موارد آنرا انتخاب ومورد بحث قرار میدهد.

در حقوق رویه ای همگانی است و آن اعراض از حق است یعنی صاحب حق با اعراض خود، حق را بلاصاحب میگذارد و اگر حق در دست کسی باشد در دست و مالکیت همان شخص درمیآید.

جریان خسارات ایران از جنگ عراق دقیقاً مصداق اعراض را دارد به مراتب زیرتوجه شود:

۱- پس از آزادی خرمشهر شرایط مناسبی برای پایان جنگ وجود داشت و سازمان ملل هم قطعنامه شماره ۵۱۴ شورای امنیت را صادر کرد ولی خمینی آنرا نپذیرفت و خواهان برکناری صدام شد.

در آن جریان چیزی که اصلاً مطرح نبوده است همان خسارات جنگی بود؛ که با برکناری صدام معاوضه شده بود این عمل نوعی اعراض معوض است. درست است که عمل نشده ولی از مراتب سستی حق و شکل گیری اعراض از حق خسارات میتواند محسوب شود.

۲- عربستان سعودی پس از آزادی خوزستان پیشنهاد نمود که عراق آن قسمتی از خاک ایران را که در اختیار دارد تخلیه کند و عربستان ۷۰ میلیارد دلار به ایران بابت خسارات جنگی عراق بپردازد، ولی ایران موافقت نکرد و بنابراین اعلام (اسپنسر بکر) مقامات ایران این پیشنهاد را رد کردند و خواهان ۱۵۰ میلیارد خسارت و بعلاوکنارگیری صدام شدند.

۳- در سال ۱۹۹۱ سازمان ملل متحد بر اساس گزارش گروه ناظر نظامی سازمان ملل متحد، عراق را آغازگر جنگ معرفی و خسارات ایران از جنگ عراق را ۹۷ میلیارد دلار تعیین کرد (خسارت مزبور بمراتب کمتر از خسارتی بود که عراق در اثر حمله به کویت پرداخت؛ رقم مزبور ۲۴۰ میلیارد دلار بود).^۴

۴- موضوع قابل توجه و در ارتباط با این تحریر این است که هیچکدام از دولت‌های حاکم در کشور ایران در دوران پس از جنگ بی‌گیری دریافت غرامت ایران از عراق نشده اند. در شهریورماه سال ۱۳۸۹ کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ایران با تهیه طرحی دولت کشور را ملزم به بیگیری خسارات جنگی از عراق کرد با این وجود نه دولت محمود احمدی نژاد و نه دولت حسن روحانی برای پیش برد این مقصود هیچ عملی انجام ندادند.

۴- یازده سال پس از آغاز جنگ ۸ ساله تحمیلی عراق علیه ایران و سه سال پس از صدور قطعنامه ۵۹۸، خاویر پرز دکونیا دبیورکل سازمان ملل متحد در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ برابر با ۹ دسامبر ۱۹۹۱ طی یک گزارش رسمی به شورای امنیت نظر خود را مبنی بر اینکه عراق، آغازگر جنگ بوده است، اعلام کرد. برخی از نکات گزارش دبیورکل سازمان ملل به شرح ذیل است:

۱- در بند ۶ قطعنامه ۵۹۸، که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ تصویب شد، شورای امنیت از دبیورکل درخواست کرد، در مشورت با ایران و عراق موضوع احاله بررسی مسئولیت مخاصمه را با گروهی بی‌طرف بیگیری کند، و در اولین فرصت ممکن، در جهت اجرای این درخواست به شورای امنیت گزارش دهد.

۲- در طول مذاکرات سه سال گذشته، فرصت‌های متعددی برای مشورت با طرفین درباره بنده ۶ قطعنامه داشته‌ام، این مذاکرات مرا قادر ساخت تا برداشتی از دیدگاه‌های متفاوت دو طرف داشته باشم. اما به مرحله‌ای که به تسلیم گزارشی معنادار به شورای امنیت بینجامد، نرسید.

(غرامات جنگی جنگ ۸ ساله ایران و عراق)

جمهوری اسلامی نه تنها درباب خسارات جنگی ایران و تلفات انسانی هیچگونه مطالبه ای نکرد بلکه به شهادت اسناد دومیارد دلار هم در دو نوبت به دولت عراق کمک مالی کرده است.

آنچه از مراتب بالا قابل استنتاج است این است که وقتی سازمان ملل متحد کشور عراق را مسئول خسارات جنگی با ایران شناخت دیگر نمیتوان کشور دیگری یعنی آمریکا را مسئول خسارات قرارداد آنهم بعد از ۲۵ سال؛ این ادعای مضحک که درست جنبه تلافی دارد را مطرح ساخت.

طرح توقیف کشتی های آمریکائی

همین امروز که این تحریر در جریان تنظیم است لایحه ای از سوی حمید رسائی نماینده مجلس اسلامی به مجلس داده شده که با این مقدمه همراه شده است: <وقتی آمریکانیها دست در جیب ملت ایران فرو میبرند و پول ملت ایران را به غارت میبرند! آنهم برخلاف همه مقررات و ضوابط بین المللی چرا اموالشان باید از تنگه هرمز رد شود. (یعنی کشتی های آمریکائی در تنگه هرمز متوقیف شوند تا مطالبات و خسارات ایران جبران شود) مطمئن باشید تنها سیاستی که در این زمینه پاسخ میدهد سیاست خمینی خبیث است <ناوگان آمریکائی که وارد خلیج فارس شد بزنید>.

نماینده دولت در همان جلسه اظهار داشت؛ دولت بر نیروهای مسلح ارتش و سپاه فرماندهی ندارد و دستور حمله به ناوگان آمریکا و توقیف آنها با رهبر است.

دیوانگی را می بینید؟ بیچاره ملت ایران که گرفتار این بزغاله های چموش شده است.

راه حل دولت جمهوری اسلامی نسبت به رای دیوان عالی آمریکا به فرصت دیگری.